

انکار می‌کند. او در کتاب خود بر این باور است که انقلاب‌ها ساخته نمی‌شوند، بلکه می‌آیند (اسکاچیول، ۱۳۷۶: ۲۵ - ۲۳).

ارائه‌ی الگوی نه شرقی نه غربی

بر اساس مبانی هستی‌شناختی انقلاب اسلامی، علاوه بر روابط داخلی، اصل بر این است که در روابط بین‌المللی نیز حاکمیت و تشریح به خداوند متعال اختصاص داشته باشد. امام خمینی در این خصوص می‌فرماید: «ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی‌گراها تصور کردند هدف ما پیاده کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم» (امام خمینی، ج ۲۱: ۸۸).

اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز تصریح می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه‌ی بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم جهان می‌شناسد...» (پژوهشکده‌ی شورای نگهبان).

تحقق این حاکمیت از آرمان‌های اساسی اسلام و انقلاب اسلامی نیز به شمار می‌رود که در مقدمه‌ی قانون اساسی به آن اشاره شده و وعده‌ی خداوند متعال است (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۵). بنابراین، انقلاب اسلامی وظیفه‌ی خود می‌داند نظامات غیرالهی و ظالمانه‌ی موجود بر عالم را بر هم زند و در مسیری گام بردارد که منتهی به این حاکمیت شود (مقدمه‌ی قانون اساسی). بر این اساس، نمی‌تواند به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که در نهایت خود در این نظامات هضم شود. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «هنر بزرگ امام بزرگوار ما این بود که چارچوب محکمی را برای این انقلاب به وجود آورد و نگذاشت این انقلاب در هاضمه‌ی قدرت‌ها و جریان‌های سیاسی مسلط هضم شود. شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، یا شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که تعلیم امام و خط اشاره‌ی انگشت ایشان در دهان مردم انداخت، معنایش این بود که این انقلاب به اصول ثابت و مستحکمی متکی است که نه به اصول سوسیالیسم اردوگاه شرق آن روز ارتباطی دارد، نه به اصول سرمایه‌داری لیبرال اردوگاه غرب» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۱).

تأثیر بر مسائل منطقه

۱. بر هم زدن معادلات منطقه و جهان

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران، به‌عنوان ژاندارم منطقه، مورد اعتماد آمریکا و دیگر کشورهای استعماری بود. با ایجاد هرگونه جنگ و درگیری، ایران به‌عنوان نماینده‌ی کشورهای استعماری، در آن جنگ حضور داشته و در راستای اهداف آن‌ها گام برمی‌داشته است. به‌طور مثال، حضور ایران در جنگ «ظفار» علیه مردم مسلمان

اسلام، راهنمای ایجاد نظم نوین

بررسی دستاوردهای نرم انقلاب اسلامی

از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، دستاوردهای نرم آن است. برای معرفی این دستاوردها، شناخت آن‌ها لازم و ضروری است. تأثیر انقلاب اسلامی بر نظریه‌های سیاسی، ارائه‌ی الگوی نه شرقی نه غربی، تأثیرگذاری بر مسائل منطقه و همچنین ایجاد و تقویت روحیه‌ی جهادی، از دیگر دستاوردهای نرم انقلاب اسلامی هستند. انقلاب اسلامی ایران پس از شکل‌گیری، به دلیل ماهیت دینی و مکتبی خویش، در رویارویی با قدرت‌های سلطه‌گر قرار گرفت. شعارهای استقلال‌خواهی، دفاع از محرومان، غارت‌شدگان و مظلومان و مستضعفان در عمل انقلاب اسلامی را در مقابل سلطه‌گران جهانی قرار داده بود. از این‌رو، تهدیدها و فشارهای گسترده‌ای از سوی استکبار متوجه انقلاب اسلامی شد. در این وضعیت، جمهوری اسلامی ایران به واسطه‌ی مجاهدت‌های خادمان انقلاب اسلامی توانست دستاوردهای بسیاری اعم از «سخت و نرم» به دست آورد. در این متن بر آنیم تا برخی از دستاوردهای نرم انقلاب اسلامی را معرفی کنیم.

تأثیر نظریه‌های سیاسی

صاحب‌نظران در مورد علل شکل‌گیری و وقوع انقلاب‌ها دیدگاه‌های زیادی مطرح کرده‌اند. برخی این دیدگاه‌ها را به حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم کرده و برخی دیگر آن را بر مبنای مکاتب سیاسی تحلیل می‌کنند. انقلاب اسلامی نشان داد مطالبه‌گری دینی می‌تواند عامل وقوع یک انقلاب باشد (بشیری، ۱۳۷۲: ۹۵).

تدا اسکاچیول تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، بر اساس معیارهای لیبرالیستی، معتقد بود انقلاب‌ها در مسیر تغییر ساختارها به وقوع می‌پیوندند. وی تفسیر انقلاب اجتماعی را تنها بر عوامل ساختاری و از پیش تعیین شده مبتنی می‌داند. او در وقوع انقلاب، نقش انقلابیان در گسترش آرمان خود و موفقیت آن‌ها را در این زمینه



عمان، و حمایت و کمک به رژیم صهیونیستی در جنگ شش‌روزه‌ی اعراب با اسرائیل را می‌توان نام برد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، تعادل قوای منطقه‌ی حساس خلیج فارس و خاورمیانه به هم خورد. شعار اسلام‌خواهی در قلب کشورها و ملت‌های مسلمان با قدرت هر چه بیشتر مطرح می‌شد و مسلمانان، بر محور آن، به‌صورت یک نیروی متراکم و فشرده درآمدند که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این نیروی متراکم نمود وسیع‌تر و آشکارتری یافت و می‌رفت که بسیاری از نظام‌های منطقه با الهام از ایران، به دست مردمشان ساقط شوند.

۲. به مخاطره انداختن منابع قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا، در منطقه

قبل از وقوع انقلاب اسلامی، بسیاری از کشورهای استعماری و در رأس آن‌ها آمریکا بسیاری از منافع خویش را از ایران تأمین می‌کردند. شکل‌گیری انقلاب اسلامی موجب شد منافع غرب و به‌ویژه آمریکا در منطقه‌ی استراتژیک خاورمیانه به خطر بیفتد. **برژنسکی**، نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی، می‌گوید: «تجدید حیات اسلام در سراسر منطقه یا سقوط شاه و تشنجات ناشی از ایران خمینی (ره)، یک مخاطره مستمر برای منافع ما در منطقه‌ای که حیات جهان غرب کاملاً به آن وابسته است، ایجاد کرده است. بنیادگرایی اسلامی پدیده‌ای است که امروزه آشکارا نظم و ثبات موجود را تهدید می‌کند (داودی، ۱۳۶۸: ۸۰).

مقام معظم رهبری به این مطلب اشاره می‌کند که آمریکایی‌ها همواره منافع خویش را از کشور ایران تأمین می‌کردند. لذا وقوع انقلاب اسلامی شکستی سخت به نظام سلطه و سلطه‌طلبی آنان بوده است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: اینکه ملاحظه می‌کنید بعد از پیروزی انقلاب تاکنون آمریکایی‌ها از دشمنی با ملت و کشور و نظام جمهوری اسلامی هرگز دست نکشیده‌اند و یک لحظه از دشمنی باز نایستاده‌اند، علت همین است. اینجا پایگاه سیاسی و اقتصادی امن و امان آمریکایی‌ها بود. اما فکر اسلامی و ایمان اسلامی این ملت را بیدار کرد و آن‌ها توانستند به برکت اسلام دست این سلطه‌طلب زیاده‌خواه زورگوی چپاولگر را کوتاه کنند. در واقع، اسلام در کشور ما بزرگ‌ترین ضربه را به استکبار آمریکایی زده است. بنابراین، آن‌ها هم بزرگ‌ترین کینه را دارند و برای مهار اقداماتی می‌کنند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران: ۱۳۸۱/۹/۱).

۳. گسترش بیداری اسلامی و رشد نهضت‌های آزادی‌بخش

جریان‌های مقاومت اسلامی در قبل از انقلاب اسلامی وجود داشته‌اند. این جریان‌ها به‌طور عمده به دلیل ترس از حاکمان و همچنین ناآگاهی از نتایج فعالیت‌های خویش، منفعلانه عمل می‌کردند. علاوه بر این، شکست برخی از جریان‌های اسلامی نیز عاملی برای عملکرد انفعالی آن‌ها بوده است. با وقوع انقلاب اسلامی، در میان ملت‌ها، به‌ویژه ملت‌های مسلمان، جرأت بر خورد با حاکمان

دست‌نشانده ایجاد شده است، به طوری که رفته‌رفته به واسطه‌ی انسجام فکری و عملکردی، به بیداری اسلامی در منطقه‌ی غرب آسیا منجر شد. اگر جوهره‌ی اصلی قیام‌ها و انقلاب‌های منطقه را در احقاق حقوق مردم، کنار زدن سیطره و سلطه‌ی استکبار جهانی، احیای عزت و کرامت از دست رفته و عدالت‌طلبی بدانیم، خواسته یا ناخواسته، نقش و جایگاه اندیشه‌ی انقلاب اسلامی را در این حرکت‌ها پذیرفته‌ایم. با دقت نظر در ماهیت انقلاب اسلامی، این نکته مشخص می‌شود که ماهیت بیداری اسلامی همانند ماهیت انقلاب اسلامی است و هر دوی آن‌ها در جهت احیا و تجدید عزت و کرامت ملی اسلامی که در طول زمان با دیکتاتوری حاکمان فاسد و سلطه‌ی سیاسی آمریکا و غرب در هم شکسته و پامال شده بود، گام برداشته‌اند (امام خمینی (ره)، ج ۵: ۷۸).

مقام معظم رهبری نیز بیداری اسلامی در منطقه را حاصل روح انقلاب اسلامی می‌دانند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «این بیداری اسلامی که مشاهده می‌کنید، چه بگوییم، چه نگوییم، چه به رو بیاوریم، چه نیاوریم، چه دیگران به رو بیاورند، چه نیاورند، اثر گرفته از حرکت عظیم ملت ایران است. این انقلاب عظیم، این انقلاب بزرگ، این تحول بنیان‌برافکن سنت‌های طاغوتی و نظام طاغوتی و نظام سلطه، ملت ایران را به یک اسوه تبدیل کرد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۹۰/۵/۲۴).



در بسیاری از دستگاه‌ها رسوخ کرد. امروز هم شما در کمک‌رسانی همین روحیه را مشاهده می‌کنید (بیانات در سال ۱۳۸۶).

مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بر احیای ارزش‌ها و آگاهی‌های اسلامی، القای تفکر اسلام سیاسی بود؛ اسلامی که به زعم بسیاری، در صفحات کهن تاریخ فرتوت شده و از اذهان رخت بر بسته بود، اینک با هسته‌ای قدرتمند و امواجی فراتر از مرزهای ملی بازگشته و به جهانیان صادر شده است (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵: ۸۳ - ۹۰). انقلاب اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین رخدادهای اجتماعی است که نیمه‌ی دوم قرن بیستم را فرا گرفته است. در جهانی که تغییر و تحولات مستمر، مرزهای طبیعی جوامع را در نور دیده و سرنوشت ملت‌ها را به هم پیوند زده است، پدیده‌ای به این گستردگی و عظمت، نه تنها نهادها و نظام‌های یک ملت و یک قوم را در هم ریخته و سرنوشت تاریخی آنان را در مسیر تغییرات بنیادی قرار داده است، بلکه گسترش موج حرکت‌های اسلامی و اوج‌گیری نهضت‌های بنیادگرایی در منطقه و کشورهای مسلمان، به یکی از عمده‌ترین پدیده‌های سیاسی دهه‌ی ۱۹۸۰ و در واقع نیمه‌ی دوم قرن بیستم تبدیل شده است. اکثر قریب به اتفاق محققان مسائل اسلام منتقد القول‌اند که انقلاب اسلامی ایران و صدور آن، بزرگ‌ترین محرک جنبش‌های سیاسی اسلامی بوده است.

البته منظور از الگوگیری از ایران آن نیست که همان ساختار حاکم بر جمهوری اسلامی در آن کشورها نیز شکل بگیرد، بلکه الگوگیری از ایران به معنای قرار دادن اسلام در مدار حرکت و راهنمای ایجاد نظم جدید و تدوین خواسته‌هاست و طبیعی است که هر کشوری، بنا به شرایط و مقتضیات خود، ساختار مشخصی را ترسیم می‌کند.

منابع

۱. اسکاچپول، تدا (۱۳۷۶). دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی. ترجمه‌ی سیدمجید روئین‌تن. سروش. تهران.
۲. امام خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه‌ی امام خمینی (ره). مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳. بشیریه، حسین (۱۳۷۲). انقلاب و بسیج سیاسی. دانشگاه تهران. تهران. بیانات امام خامنه‌ای.
۴. حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۸۵). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۷). حقوق بین‌الملل عمومی. گنج دانش. تهران.
۶. فوکو، میشل (۱۳۷۹). ایران: روح یک جهان بی‌روح. ترجمه‌ی نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. نشر نی.
۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۸. هادیان، ناصر (۱۳۷۵). نظریه‌ی تدا اسکاچپول و انقلاب اسلامی. مجله‌ی راهبرد. شماره‌ی ۹.
۹. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. نشر علم. تهران.

ایجاد و تقویت روحیه‌ی جهادی

روحیه‌ی جهادی و انقلابی از ویژگی‌هایی است که می‌توان با آن کارهای مشکل و پیچیده را به سرانجام رساند. جوانان انقلابی با برخورداری از این ویژگی به حل و فصل بسیاری از مشکلات پرداختند؛ ام از مبارزه با طاغوت، دفاع مقدس، شکوفایی در مبارزه با تحریم‌ها و موفقیت در به دست آوردن طرح‌های علمی - پژوهشی مثل رشد و ارتقا در دانش پزشکی و دانش انرژی هسته‌ای. مقام معظم رهبری با اشاره به این مطلب، ارتقا در زمینه‌های مختلف را حاصل روح و فرهنگی جهادی می‌داند که در دوران انقلاب اسلامی به جوشش و بالندگی رسیده است. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «در نظام جمهوری اسلامی و به برکت انقلاب اسلامی، همه‌ی تلاش‌ها سرعت و کارایی مضاعفی پیدا می‌کنند. آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد، فرهنگ جهادی بود. فرهنگ جهادی در همه‌ی صحنه‌ها و عرصه‌ها به کار می‌آید و در زمینه‌ی کارهای زیربنایی کشاورزی و دام‌داری و امثال این‌ها هم از اول انقلاب، روح و فرهنگ جهادی وارد میدان شد. اما همان حالت حرکت، پیشرفت و جهش که در خود انقلاب موجود بود، در این‌ها هم وجود داشت و ما اثرش را هم در بیرون دیدیم. در دفاع هشت‌ساله، بسیج و تحرک مردم را دیدید. در میدان کار و سازندگی و پیشرفت، روحیه‌ی جهادی را دیدید که البته مخصوص جهاد سازندگی هم نماند. این روحیه